

ریشه‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در منظومه افکار امام خمینی^{علیه السلام}

علی زیرکی حیدری*

مصطفی الماسی**

چکیده

امام خمینی^{علیه السلام} پیش‌تاز نگرش پویا به مفهوم «شهادت» به‌مثابه یکی از آموزه‌های اجتماعی اسلام بود. به‌طوری‌که ماحصل تلاش فکری ایشان در شکل «فرهنگ شهادت‌طلبی» در جامعه ایران معاصر، به‌ویژه در میان «رزمندگان اسلام» در دوران دفاع مقدس متجلی شد. این مقاله درصدد بررسی ریشه‌های فکری «فرهنگ شهادت‌طلبی» در آرای امام خمینی^{علیه السلام} به‌عنوان متفکر دینی نوگرا و رهبر جریان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در تحولات سیاسی و فکری ایران معاصر است. پرسش اساسی این پژوهش عبارت است از اینکه آیا ترویج تفسیر جدید از مفهوم «شهادت»، توسط امام خمینی^{علیه السلام} در ظهور و بروز عملی «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» مؤثر بوده است؟ در برابر، فرضیه پژوهش این است که شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» در طول دفاع مقدس، منبعت از نشر آرای امام خمینی^{علیه السلام} بوده است که از دهه ۱۳۴۰ در کوران تحولات فکری جامعه شکل گرفته بود.

واژگان کلیدی

امام خمینی^{علیه السلام}، فرهنگ شهادت‌طلبی، شهادت، عاشورا.

ziraki.ali@gmail.com

mostafa.almassi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

*. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه.

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۵

طرح مسئله

به‌رغم سابقهٔ دیرینهٔ اسلام شیعی در ایران، شیعیان فاقد هرگونه تحرک سیاسی و اجتماعی بودند که برخاسته از باورهای ایمانی‌شان باشد. اما در دو سدهٔ اخیر، شیعیان به رهبری علمای خود، تحرک و نشاط سیاسی بی‌سابقه‌ای از خود به نمایش گذارده‌اند. این تحرک و سرزندگی در وهلهٔ اول برخاسته از برخی امکانات برای انطباق با تحولات سیاسی و اجتماعی است که اساسی‌ترین این امکانات، اصل اجتهاد است که طرح و تدبیری برای تکمیل منابع فقهی و بالقوه تعبیه‌ای انقلابی در برابر قدرت‌های دنیوی است.» (عنایت، ۱۳۸۹: ۲۷۷) با استفاده از ابزار اجتهاد و بازخوانی آموزه‌هایی چون «جهاد» و «شهادت» در آیین تشیع، ضمن پاشیدن بذر «شهادت‌طلبی» در متن فرهنگی و قلب جوانان، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی» چیده شد تا اینکه ثمرهٔ آن ابتدا در جریان وقوع انقلاب اسلامی و در برابر استبداد داخلی و سپس در جریان دفاع مقدس و در مقابل دشمنان خارجی به بار نشست.

این خوانش جدید از مفاهیم حماسی مذهب تشیع مانند «جهاد» و «شهادت» که به صورت ابزاری کارا در طول دهه‌های اخیر در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعهٔ ایران نقش‌آفرینی نموده، خوانشی نوآیین بود که خلاف آمدِ عادت در جریان خوانش سنتی از دین و آموزه‌های دینی بود. به‌طوری که در طول سده‌های پیشین، واقعهٔ «شهادت» امام حسین علیه السلام که نماد «شهادت» در مذهب شیعه و همچنین اسوه و الگوی حماسی و اساطیری بود، به ابزاری برای ترویج گریه به قصد قربت و کسب شفاعت ائمهٔ اطهار علیهم السلام تبدیل شده بود. اما تأثیر عمدهٔ این نگرش به مقولهٔ «شهادت» و واقعهٔ کربلا در وجه سیاسی آن، در واقع ترویج روحیهٔ تسلیم‌طلبانه و منش انفعالی در حوادث و رخدادهای زندگی اجتماعی بوده است (همان) شماری از دین‌اندیشان معاصر گفتمانی را شکل دادند که به نیروی نهفته در حادثهٔ کربلا، به‌عنوان وسیله‌ای خطابی برای بسیج سیاسی توجه نموده و توانست گرد و غبار تسلیم‌طلبی را از رخسار این رخداد بزرگ بزداید. متفکران مزبور کوشیدند، این نیروی نهفته را به‌عنوان بخشی از کشش کلی به‌سوی تنسيق مجدد مضامین مهم تاریخ اسلام درآورند. تلاش شد تا با واقعهٔ عاشورا مانند واقعه‌ای انسانی برخورد شود و عمل قهرمانانهٔ امام حسین علیه السلام را واقعه‌ای بی‌نظیر و تقلیدناپذیر در تاریخ تلقی نکرده و آن را فراتر از حد موجودات انسانی نپندارند. عنایت، امام خمینی را پیشتاز اتخاذ این نگرش دانسته است. (همان: ۳۱۶ - ۳۱۵ و ۳۲۳) تلقی تکرار حادثهٔ عاشورا در قالب حوادث انقلاب اسلامی، توسط برخی دیگر از صاحب نظران نیز مطرح شده است. (برای نمونه ر.ک: خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۱۵ - ۱۱۲) چراکه در فضای نمادین جامعه، دوگانه‌هایی مانند صحنه‌های نبرد حق و باطل، مظلوم و ظالم، مستضعف و مستکبر، امام حسین علیه السلام و یزید به‌طور بی‌سابقه‌ای شکل گرفته بود. (سید امامی، ۱۳۸۷: ۲۹۴)

زمانی که سخن از فرهنگ به میان می‌آید، قطعاً این فرهنگ طی یک روز یا یک سال به وجود نمی‌آید.

از دگرسو، نیاز به زمینه فکری برای ایجاد یک فرهنگ لازم است. فرهنگ از خلأ فکری ایجاد نمی‌شود. بلکه پشتوانه ایجاد یک فرهنگ، اندیشه و تفکر است. «فرهنگ شهادت‌طلبی» نیز قاعدتاً با زمینه فکری خاصی و در طول حداقل یکی دو دهه تلاش فکری، زمینه‌چینی و در نهایت در بستری مناسب روییده و ثمره آن در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس به دست رسیده است. پژوهش حاضر به دنبال واکاوی زمینه فکری «فرهنگ شهادت‌طلبی» در منظومه اندیشه سیاسی امام خمینی است. پرسش اساسی این مقاله عبارت است از اینکه: آیا ترویج تفسیر جدید از مفهوم «شهادت»، توسط امام خمینی در ظهور و بروز عملی «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» مؤثر بوده است؟ در برابر، فرضیه ما این است که شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» در طول دفاع مقدس منبعث از نشر آرای امام خمینی بوده است که از دهه ۱۳۴۰ در کوران تحولات فکری جامعه شکل گرفته بود. به‌رغم پژوهش‌های فراوانی که در ابعاد مختلف اندیشه سیاسی امام خمینی صورت گرفته، تفکر ایشان به‌مثابه زمینه اصلی «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» در دوران دفاع مقدس و تأثیر نگاه پویای امام به مفاهیمی همچون «شهادت» و «عاشورا» از آموزه‌های جاوید اسلام در انقلاب اسلامی به‌طور عام و دفاع مقدس به‌طور خاص مورد واکاوی جدی قرار نگرفته است. از این‌رو، جنبه نوآورانه این نوشتار در این است که به دنبال ریشه‌یابی این فرهنگ سیاسی مؤثر در رویدادهای جامعه معاصر ایران در منظومه فکری امام خمینی بوده که ضمن شایان بررسی بودن، دارای ضرورت پژوهش در یکی از ابعاد اندیشه سیاسی امام به‌عنوان منبع اصلی انقلاب اسلامی است. این پژوهش در سه محور تنظیم شده است. در محور نخست نگاهی به مفهوم «شهادت» در اسلام و تبیین «فرهنگ شهادت‌طلبی» خواهیم داشت. در محور دوم، به بررسی جایگاه علمی و فکری امام خمینی در اندیشه‌های دینی - سیاسی معاصر پرداخته و در محور سوم پس از بررسی مفهوم شهادت‌طلبی و عاشورا به‌مثابه نماد آن در اندیشه امام خمینی به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث خواهیم پرداخت.

مفهوم «شهادت» و «فرهنگ شهادت‌طلبی»

شهادت در لغت یعنی «کشته شدن در راه خدای تعالی و شهید گردیدن» و همچنین «مقتول و کشته شدن در راه حق» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۱۴۵۹۳) شهادت در تعریف اصطلاحی آن عبارت است از نوعی کشته شدن که شخص مؤمن، آگاهانه و با اختیار خویش، در راه رسیدن به اهدافی که از منظر دین، مقدس شمرده شده‌اند، آن را برمی‌گزیند که قرآن کریم از آن، به «قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یاد کرده است. (ذبیح، ۱۳۸۷: ۱۰) بدین معنا شهادت فقط کشته شدن و حتی مظلومانه کشته شدن هم نیست؛ بلکه شهادت مرگی است آگاهانه و در راه خدا، که توسط شهید برگزیده می‌شود. (دیانی، ۱۳۸۸: ۳۷ - ۳۶ و ۴۰)

شهید با ایثار خودش، خون زنده‌ای را در پیکر جامعه به جریان انداخته و این خون، راه خدا را باز کرده و موانع را از پیش پای مجاهدان برمی‌دارد. شهادت بالاترین آزمایشی است که شهید با موفقیت از آن بیرون

آمده و رستگاری او در جنت نعیم الهی تضمین می‌گردد. (بهشتی، ۱۳۸۲: ۹۵ - ۹۴؛ باباپور گل‌افشانی، ۱۳۸۱: ۱۵۳ - ۱۵۲) شهادت حرکتی است شتابدار به سوی معشوق که نصیب هر کسی نمی‌شود. (فهیمی، ۱۳۸۰: ۱۸۰) شهادت در دین اسلام، حادثه‌ای خونین و ناگوار نیست؛ بلکه یک درجه است. بدین معنا که وسیله نیست، خود هدف است، اصالت است. خود، یک تکامل، یک علو است. خود، یک مسئولیت بزرگ است و خود، یک راه نیم‌پُر به طرف صعود به قله معراج بشریت است و یک فرهنگ است. (صادقی و احمدی، ۱۳۸۳: ۷۴ - ۷۲) لذا شهادت مرگی نیست که دشمن مجاهد تحمیل کند، بلکه انتخابی آگاهانه است که مجاهد با همه آگاهی و منطق و شعور و بیداری خود، برمی‌گزیند. (شریعتی، ۱۳۶۰: ۱۹۲) شهید انسانی نمونه است که در هر زمان و مکانی، با حضور خود، الگویی برای تمام انسان‌هاست. (شریعتی، ۱۳۷۸: ۵۴) شهادت به‌مثابه اسلحه است و مبارز مرگ را برای مبارزه با جور انتخاب می‌کند. (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

در اسلام واژه‌ای وجود دارد که از قداست خاصی برخوردار است؛ این واژه از نظر مطهری، همان کلمه «شهید» است که هاله‌ای از نور آن را دربر گرفته است. نخستین مورد از تعبیری که پیرامون جایگاه شهید به کار رفته، «به حق پیوستگی شهید» است که قرآن نیز در این باره می‌فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران (۳): ۱۶۹)

گمان مبر آنان را که در راه حق شهید شده‌اند مرده‌اند؛ خیر، آنها زنده هستند نزد پروردگارشان و متنعم به انعامات او.

دوم، «حق شهید» است که بر سایرین دارد؛ زیرا شهید کسی است که با فداکاری و سوختن و خاکستر شدن خود، محیطی مساعد برای دیگران فراهم می‌آورد. سوم، «بدن شهید» است که از احترامی ویژه در اسلام برخوردار است. بدین صورت که غسل و کفن از او ساقط است. (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۴۸ - ۴۴۳؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۷۰ - ۶۳) شهید از طریق نثار خون خود در راه بشریت، به آن ارزش می‌دهد؛ همان‌گونه که فردی از راه انفاق مال خود در راه‌های عام‌المنفعه به ثروتش ارزش می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۳ - ۳۲)

در فرهنگ معین معنای «فرهنگ» چنین ذکر شده است: «مجموعه آداب و رسوم» و نیز «مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم» (معین، ۱۳۹۱: ۲ / ۲۵۳۸) با توجه به معنای نهفته در کلمه فرهنگ، «فرهنگ شهادت‌طلبی»، فراگیری و نهادینه شدن اشتیاق به شهادت در راه خدا را در جامعه اسلامی می‌رساند؛ فرهنگ شهادت‌طلبی، اجمالاً به مجموعه باورهای دینی و آموزه‌هایی گفته می‌شود که باعث شکل‌گیری روحیه شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خداوند شده که در نهایت منجر به کشته شدن افراد در راه ایمانشان می‌گردد. محور اصلی این فرهنگ نیز همان شهید و انگیزه‌های مقدس است که او را به سمت شهادت‌طلبی سوق می‌دهد. (رکنی، ۱۳۸۶: ۱۸) با دقت در فرهنگ شهادت، ملاحظه می‌شود که درون این فرهنگ، فضایی

مانند عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی، ایثار و از خودگذشتگی، مقاومت و پایداری، شجاعت و دلیری، آگاهی و دشمن‌شناسی، خلوص و پارسایی، اقتدار و عزت‌طلبی و حراست از ارزش‌های اسلامی وجود دارد که هر کدام از آنها بالقوه یک فرهنگ محسوب می‌شوند. (ربیع نتاج، ۱۳۸۶: ۲۱۲ - ۲۰۴) با تعاریف فوق از مفهوم شهادت و فرهنگ شهادت‌طلبی، در سطور ذیل مروری بر جایگاه علمی امام خمینی علیه السلام در تفکر اسلامی و بررسی این مفاهیم در آرای ایشان و نتایج فکری و عملی آن خواهیم پرداخت.

جایگاه علمی و فکری امام خمینی علیه السلام در اندیشه‌های دینی - سیاسی معاصر

امام خمینی علیه السلام در اوج دوران هراس‌انگیز رضاشاهی بالید و تجربه اندوخت و در دوران محمدرضا پهلوی تجربهٔ خود را به خوبی به کار گرفته و حکومت شاهنشاهی را واژگون ساخت. (ذاکری، ۱۳۹۱: ۲۹ و ۳۵) امام خمینی از نظر علم و عمل، درک وسیع اسلامی، تقوای اصولی و مراحل باطنی در حد یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های اسلامی است در میان عالمان بزرگ اسلام، در طول قرون تاریخ این دین (حکیمی، بی‌تا: ۱۴۳) آنچه از دیدگاه پژوهش حاضر اهمیت دارد، بُعد علمی شخصیت امام خمینی علیه السلام است که به‌عنوان متفکر دینی برجسته شایان بررسی است. باید دید، نظرات ایشان به‌عنوان مهم‌ترین رهبر فکری و مذهبی جامعهٔ ایران معاصر چه تأثیری در شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» داشته است؟

آنچه در این پژوهش به آن توجه خواهد شد، جنبهٔ علمی و فکری شخصیت امام خمینی علیه السلام به‌عنوان متفکری اسلام‌شناس است، نه ابعاد سیاسی و رهبری سیاسی کشور در دوران انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس. هرچند نمی‌توان جایگاه مقبولیت اجتماعی ایشان را در نفوذ کلامشان در بین اقشار مختلف مردم، به‌ویژه رزمندگان اسلام نادیده گرفت. امام خمینی پیش از آنکه در سطح سیاسی انقلاب نموده و رهبری جنبش انقلابی سیاسی را در دست گیرند، در سطح علمی و فقهی در حوزه‌های علمیه و سنت رایج حاکم بر آنها انقلاب ایجاد نمود. به‌طوری که پیش از توجه به مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور، می‌توان به مسائلی که دانش‌های دینی و مراکز علمی مذهبی را تهدید می‌کرد، اشاره نمود که از دید ژرف‌انگر امام خمینی به دور نمانده و ایشان در وهلهٔ اول درصدد رفع این مشکلات برآمده تا از آن طریق بتوانند با ایجاد تحول فکری در بین خواص مذهبیون و تودهٔ مسلمان جامعه، به‌گونه‌ای آسان‌تر از عهدهٔ حل مسائل سیاسی و اجتماعی گریبانگیر جامعهٔ ایران و سایر جوامع اسلامی برآیند. بدین‌سان، مشکلی که دانش‌های دینی و مراکز علمی مذهبی را تهدید می‌کرد، تک موضوعی شدن دانش فقه و توجه صرف به فرد به‌عنوان مکلف، بریدن از جامعه، اجتماع و در نتیجه گسترش موضوعات فردی و رها کردن موضوعات سیاسی و اجتماعی بود به‌گونه‌ای که بحث‌های سیاسی و اجتماعی نظیر دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر به تدریج یا حذف شدند یا به حداقل رسیدند. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۷)

در راستای پاسخ به مشکل مذکور از یکسو و پاسخ به اندیشه‌های ضد دینی در دهه ۱۳۲۰ از سوی دیگر، امام خمینی اقدام به انتشار کتابی به نام کشف اسرار نمود. امام که این کتاب را در پاسخ به جزوه «اسرار هزار ساله» حکمی‌زاده نوشته، برخلاف سنت مرسوم انزوای سیاسی و اجتماعی علما در آن دوره به صراحت اعلام می‌کند که کنار گذاشته شدن دین و تقلید از قوانین غربی از علل درماندگی کشور بوده و این امر مخالف عقل است:

اینها نیست جز اینکه با قانون خدایی طرف هستید و می‌خواهید از قانون‌های اروپایی پیروی کنید و این از بدبختی‌های بزرگ ماست و مخالف با حکم عقل است. (امام خمینی، بی تا: ۱۸۶)

اهمیت این اثر در این است که اولاً امام خمینی در نخستین اثر خود به صراحت از وضع موجود انتقاد کرده و این مقدمه‌ای بر سیر تکوینی نظریه سیاسی وی به دلیل نارضایتی از وضع موجود است که به لحاظ منطقی لزوماً کوشش برای طرح نظام سیاسی جایگزین را پیش می‌کشد. ثانیاً در این کتاب نیز، هرچند در حاشیه ولی به رگه‌هایی از نظریه ولایت فقیه و حق مشروع فقها در برپایی حکومت اشاره می‌کند. (هزاوه‌ای و زیرکی حیدری، ۱۳۹۲: ۷۶)

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه که در دوران تبعید در عراق و زمانی که چند سالی از شروع نهضت اسلامی می‌گذرد، دست به تکامل و بسط نظریه سیاسی «ولایت فقیه» زدند. امام از لزوم توجه بیشتر به احکام اجتماعی و سیاسی اسلام با نگرشی نوآیین سخن می‌گوید تا نشان دهد که اسلام دینی جامع است و از طریق احکام خود، همواره پاسخ‌گوی نیازهای متنوع انسان است.

اشارات فوق تمام اندیشه امام خمینی علیه السلام را در لزوم بازاندیشی در نوع نگاه به اسلام و احکام سیاسی و اجتماعی آن نشان می‌دهد. با توجه به تحولات زمانه امام و تأثیر آن بر شیوه فکری و منش سلوک اجتماعی ایشان به بررسی افکار امام پیرامون «جهاد» و «شهادت» و «عاشورا» و تبیین تأثیر آن بر شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام» خواهیم پرداخت.

ریشه‌یابی مفهوم «شهادت» و «فرهنگ شهادت‌طلبی» در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

«شهادت» از جمله مفاهیم والایی است که در انقلاب‌های الهی به چشم می‌خورد. انقلاب اسلامی نیز علاوه بر اینکه از این قاعده مستثنا نبود، حتی با بهره‌گیری از فرهنگ غنی اسلام، «شهادت» را که در اثر نشستن غبار تاریخ و رواج ایدئولوژی‌های مادی در قرون اخیر، در حال فراموشی بود، حیاتی مجدد بخشید. در بررسی مقوله «شهادت» و آثار آن در طول سالیان به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، این نکته همواره بایستی مطرح نظر باشد که استمرار «فرهنگ شهادت» در جامعه ایران، ریشه در سوگاری‌های

منبعث از قیام عاشورا داشته و احیای آن به دست متفکران دینی به‌ویژه امام خمینی علیه السلام در دهه‌های اخیر، با غبارروبی از چهرهٔ تابناک قهرمانان کربلا صورت گرفته است.

معنای مفهوم شهادت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

شهادت به معنای فدا کردن جان خویش در راه ارزش‌های الهی و دستیابی به حیاتی ابدی است؛ به همین خاطر اگر کسی فاقد مایه‌های معنوی باشد، شهادت‌طلبی وی معنایی نخواهد داشت. زیرا از آنجایی که در این‌گونه جهان‌بینی، شهید به حیاتی لایزال دست می‌یابد، جان‌نثاری وی معقول و منطقی است؛ وگرنه عاقلانه نیست که کسی برای دستیابی به زندگی دنیایی خود یا دیگران، از جان خویش درگذرد. شهادت و شهادت‌طلبی، میوهٔ شجرهٔ طیبهٔ اعتقاد به «احدی الحسینین» است که یکی از دو پیروزی را برای مجاهدان راه خدا نوید می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۸: الف، ب)

از نظر امام خمینی علیه السلام، مقام شهادت، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بتوان آن را با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه نمود. به باور ایشان، نباید منزلت شهادت را تا آنجا کاست که گفته شود در مقابل شهادت فرزندان اسلام صرفاً خرمشهر یا شهرهای دیگر آزاد شد؛ چراکه هدف اسلام در مسئلهٔ شهادت بسیار بالاتر از این مسائل مادی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۸۸) شهید خورشیدی است که بر انقلاب پرتوافشانی کرده و لذا شهادت چراغ هدایت ملت‌هاست. از نگاه ایشان، ملت ایران نیز با عشق به شهادت، پیش رفت و این نهضت را به پیروزی رساند. اینکه ملت شهادت را خواست و گرایش به زندگی دنیوی را کنار گذاشت، تحولی فرخنده بود که باید همواره آن را پاس داشت و نگذاشت با سرد و کمرنگ شدن شعلهٔ فروزان شهادت، علایق مادی آنها را مسخ نماید تا از این سستی و فتور، خون‌های پاک شهدا هدر رود. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ب)

امام خمینی شهادت در راه حق را افتخاری جاودانه می‌داند. چراکه «شهادت» عزت انسان است؛ لذا طلب توفیق از خدا با طلب توفیق شهادت و طلب توفیق عزت یکی است. به باور ایشان، شهیدان زنده‌اند و در نزد پروردگار خود، روزی می‌خورند. اگرچه شهادت در لحظه‌ای اتفاق می‌افتد، اما سعادت جاودانی در پی دارد؛ زحمت یک لحظه‌ای است که به دنبال خود سعادت همیشگی دارد. ایشان خطاب به مردم همین نکته را مورد تأکید مجدد قرار داده و می‌فرماید: از ترور و شهادت نترسید که شهادت عزت و حیات ابدی است. آنهایی از شهادت و مردن بترسند که مردن را تمام و انسان را فانی می‌پندارند.

ما که انسان را باقی می‌دانیم و حیات جاودانه را بهتر از این حیات مادی می‌دانیم برای چه بترسیم؟ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۷۸؛ ۶ / ۳۱۲ - ۳۱۱ و ۷ / ۲۴۱)

در دیدگاه امام خمینی، با توجه به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُنُوا تُقَاتِلُوا كُنْتُمْ مَعَهمُ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»^۱ (نساء / ۷۳) تفاوت اسلام به مثابه مکتب توحید با مکاتب الحادی در این است که معتقدان به این مکتب، شهادت را برای خویش فوزی عظیم دانسته و از شهادت استقبال می‌کنند. با توجه به این آموزه‌هاست که می‌فرماید: «ما شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می‌کند و از جنگ نخواهیم هراسید.» چراکه قائل به این هستند که پس از این عالم طبیعت، عالم‌های بالاتری وجود دارد. از این منظر، مؤمن در این عالم در زندان است و بعد از کسب فیض شهادت از زندان بیرون می‌رود. لذا جوانان و علمای متعهد ما طالب شهادت بوده و برای آن پیشگام هستند. اما آنان که به خدا و به روز جزا ایمان ندارند، بایستی از مرگ بهراسند؛ در حالی که ما شاگردان مکتب توحید از شهادت ترس و هراسی به دل راه نمی‌دهیم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷ / ۱۸۲ و ۱۳ / ۲۶۱)

به باور ایشان، اسلام، مکتبی است که شهادت را زندگی می‌داند. ما نیز که پیرو اسلام هستیم شهادت را برای خود حیات می‌دانیم؛ به طوری که بر اثر آموزه‌های این مکتب، خرد و کلان اعلام می‌کنند که «ما برای شهادت حاضریم.» زیرا کسی که شهادت را زندگی و حیات ابدی برای خودش بداند، در مقابل غیر ایستاده و طلب شهادت می‌کند. بدین‌سان، شهادت عامل پیروزی است و این آموزه شهادت است که این پیروزی را حاصل نموده است. در عین حال، شهادت عامل حفظ اسلام است. اسلام از ابتدا با شهادت پیش رفته و اکنون نیز جوانان ما خواستار شهادت هستند و همین حس، عامل پیشبرد انقلاب و دفاع مقدس بوده است. این حس شهادت و حس قدم نهادن در راه اسلام و شهادت بود که عامل پیروزی ما شد. (همان: ۷ / ۱۹۱ و ۸ / ۴۴ و ۱۲۸)

امام خمینی علیه السلام معتقد است که شهادت هدیه‌ای از جانب خداوند برای کسانی است که لایق آن هستند. انسانی که باید روزی راهی جهان آخرت گردد، چه بهتر که این سعادت را تحصیل کرده و امانت را به صاحب آن بسپارد و از همه زیباتر اینکه این امر از طریق مرگ اختیاری به معنای شهادت حاصل شود و در لباس شهید و با ایده شهدا به خدا برسد. وگرنه مردن در بستر، امری طبیعی است، اما در راه خدا رفتن شهادت است و سرافرازی و تحصیل شرافت برای انسان و انسان‌ها است. پس بهتر این است که برگشتن اختیاری باشد و انسان مرگ را برای شهادت در راه خدا انتخاب کند. با این تفسیر، در سطحی گسترده‌تر، شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست. از این‌رو، ملت ۳۵ میلیونی^۲ ایران نیز که با مکتبی رشد یافته است که شهادت را فخر و سعادت می‌دانند، جانشان را فدای مکتب خود می‌نمایند. (همان: ۱۰ / ۴۴۰ و ۴۲۰ و ۱۲ / ۲۵۶ و ۱۴ / ۲۵۸ - ۲۵۷)

۱. ای کاش من با ایشان بودم و به رستگاری عظیم می‌رسیدم.

۲. این آمار با توجه به سرشماری‌های انجام گرفته در زمان ایراد بیانات امام خمینی است.

سیرهٔ عملی امام و اندیشهٔ سیاسی وی حاکی از تقید او به تکلیف‌گرایی است. بدین معنا که انسان مسلمان موظف است به تکلیف الهی خود به‌مثابهٔ تعهدی در برابر خدا و بندگان او عمل نماید. در این رویکرد، شکست یا پیروزی ظاهری ملاک سنجش و ارزیابی موفقیت‌ها نیست؛ بلکه ملاک، عمل کردن یا نکردن به وظیفهٔ انسانی خواهد بود. در این صورت، فارغ از دریافت هر نتیجه‌ای، پیروزی به دست آمده است. زیرا مطابق این دیدگاه، ادای تکلیف الهی «احدی الحسینین» است و یکی از دو پیروزی نصیب انسان مؤمنی خواهد شد که به تکلیف خود به‌ویژه آموزه‌هایی مانند جهاد و کسب فیض شهادت عمل می‌کند.^۱ (همان: ۱۵ / ۸) با توجه به جایگاه قیام عاشورا در الگودهی به رهبری امام خمینی علیه السلام در طول مبارزات انقلابی خود و سپس هدایت و شکل‌دهی به فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام، در سطور آتی این نوشتار به بررسی چگونگی تجلی عاشورا به‌عنوان نماد شهادت و فرهنگ شهادت‌طلبی در تاریخ اسلام در اندیشهٔ ایشان می‌پردازیم.

تجلی عاشورا به‌عنوان نماد شهادت در کلام و اندیشهٔ امام خمینی علیه السلام

بخش عمدهٔ بینش نواندیشانهٔ امام خمینی نسبت به مقولهٔ شهادت، بدون شک ریشه در برداشت ایشان از واقعهٔ عاشورا داشته که به‌عنوان قیامی زنده که دارای پیامی به وسعت تاریخ بشر بوده، در نزد ایشان مطرح می‌باشد. این مسئله در بررسی اندیشهٔ سیاسی امام خمینی علیه السلام به اندازه‌ای جدی است که ایشان به‌صراحت اعلام داشته که این «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است» (همان: ۳۳۰) زمانی امام خمینی، سخن از اسلام و لزوم حفظ آن به‌مثابهٔ میراث انبیا و ائمه می‌گوید که به‌کارگیری احکام اجتماعی آن در این دوران سلطهٔ مادیگرایی در شرق و غرب عالم، راهگشای مسائل و مشکلات روزمرهٔ ما خواهد بود و در بطن این پیام، بایستی به جایگاه محرم و عاشورا توجه ویژه‌ای داشت. با توجه به این نظر امام که «محرم و صفر»، نماد حفظ اسلام بوده، اکنون جا دارد از این منظر به اسلام نگریسته شود که از این پس برای حفظ اسلام، بایستی شعائر عاشورا و محرم را زنده نگه داشته و فزون‌تر، با شکوه بیشتری به تداوم آنها همت نمود.

به باور امام، اسلام را به این صورت که امروزه به دست ما رسیده است، سید الشهداء علیهم السلام زنده نگه داشته است. آن حضرت، همهٔ داشته‌های خود را شامل همهٔ جوانان و همهٔ مال و منال خود، در راه خدا تقدیم نمود. بدین صورت که در مخالفت با امپراتوری آن روز، با عده‌ای قلیل قیام کرد و درحالی‌که با این عدهٔ قلیل شهید شد، بر این دستگاه ظلم غلبه نمود. لذا امام خمینی معتقد است، اکنون که ما پیرو آن حضرت بوده و به دستور امام صادق علیه السلام، مجالس عزا برای حضرت اباعبدالله علیه السلام برپا می‌کنیم، در واقع همین مسئله را بازگو می‌کنیم. زیرا قضیهٔ کربلا که توسط ما و خطبای ما زنده نگه داشته شد، بدین معنا است که داستان

۱. ذکر این نکته لازم است که تکلیف‌گرایی در اندیشهٔ امام خمینی، منبعث از مکتب الهی اسلام است و با تکلیف‌گرایی مصطلح در فلسفهٔ غرب که به‌طور مشخص در آرای ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی به چشم می‌خورد، تفاوت‌های عمدهٔ مبنایی و ماهوی وجود دارد.

مقابله یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ را در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ زنده نگه داشتند. از این منظر، گریه نمودن بر شهید، موجب زنده نگه داشتن نهضت است؛ لذا وقتی که در روایت نقل می‌شود که جزای گریه بر شهید یا گریاندن و حتی تباهی - به معنای حالت گریه به خود گرفتن - بهشت است، به این خاطر است که انسان حتی اگر لحظه‌ای تظاهر به گریه می‌کند و به خودش حالت حزن می‌دهد، درواقع دارد این نهضت را حفظ می‌کند.

به باور امام، کسانی که مجالس روضه‌خوانی امام حسین علیه السلام را نقد می‌کنند، ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند. چراکه سوگواری برای اباعبدالله علیه السلام، شعاعی از آن نهضت عظیم است، برای زنده نگه داشتن نهضت و مفهوم آن. به باور امام خمینی، این ایستادگی، دستوری است که از عمل امام حسین علیه السلام به ما رسیده است. به گفته ایشان، پیرامون عمل به این دستور، دستور است برای همه: **كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ؛ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ** دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. امام حسین علیه السلام با عده کمی که داشت همه چیز خود را فدای اسلام نمود و در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت. این «نه» بایستی در هر روز و در هر جا محفوظ بماند. یکی از کارکردهای این مجالس عزایی که وجود دارد، این است که این نه را محفوظ بدارد. امام خمینی خطاب به جوانان و نسل‌های نو می‌افزاید:

در مقابل القای دشمنان و بدخواهان اسلام که به شما القا می‌کنند که «ملت گریه» گفته شود، هوشیار باشید و هرگز فریب تبلیغات سوء آنان را نخورید. چراکه خود آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند؛ زیرا اگر گریه‌ای وجود دارد، گریه بر مظلوم بوده و فریادی در مقابل ظالم است. اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۶ - ۳)

امام خمینی علیه السلام در جای دیگری در مورد روایاتی که پیرامون ارزش و ثواب قطره‌ای اشک برای امام حسین علیه السلام، حتی به صورت تباهی توضیح می‌دهد که اینها نه برای این است که سید مظلومان - امام حسین علیه السلام - به این کار نیاز دارد و نه صرفاً برای ثواب بردن مخاطبان و مستمعین است؛ اگرچه همه این ثواب‌ها وجود دارد، اما پرسشی که ایشان در این رابطه مطرح می‌سازد، این است که چرا این ثواب برای این مجالس عزا آن قدر عظیم قرار داده شده است و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباهی، آن قدر ثواب داده است؟

امام اضافه می‌کند که بایستی به این مسئله از بُعد سیاسی نگریست تا به پاسخ این پرسش‌ها رسید. وی معتقد است، اینکه برای عزاداری برای امام حسین علیه السلام تا این اندازه ثواب داده شده است، علاوه بر جنبه‌های عبادی و روحانی آن، یک جنبه مهم سیاسی در کار بوده است. زیرا زمانی که این روایات صادر شده، دوره‌ای

بوده است که این فرقهٔ ناجیه - اهل بیت پیامبر علیهم السلام - به حکومت‌های اموی و عباسی مبتلا بوده‌اند و به صورت یک جمعیت اندک و در شکل یک اقلیت در مقابل قدرت‌های بزرگ آن زمان قرار داشته‌اند. از این‌رو، برای سازمان دادن به فعالیت‌های سیاسی این اقلیت، راهی درست کرده‌اند که این راه، خود سازمان‌دهنده بوده است. (همان: ۸ - ۷)

از نظر امام خمینی، هراس قدرت‌های بزرگ از زنده بودن این عزاداری‌ها و شعائر عاشورایی به دلیل این است که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد و بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و انسجام‌دهی دولتی یا سازمانی، مردم به صورتی کاملاً خودجوش در سراسر کشور در برنامه‌ای واحد مجتمع می‌شوند. این ظرفیت عظیم فرهنگی موجب می‌شود تا از طریق این شبکهٔ سراسری، هرگونه مطالبی که در راستای خدمت به اسلام باشد به وسیلهٔ خطبا و ائمهٔ جمعه و جماعات، در اندک زمانی به سراسر کشور منتشر شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد. (همان: ۹ - ۸)

چنان که ملاحظه می‌شود این مهم‌ترین جنبهٔ عاشورا است که از کار ویژهٔ سیاسی و بسیج‌کنندگی اجتماعی برخوردار است و امام خمینی علیه السلام به‌مثابهٔ یک متفکر دینی که نگرشی نوآیین نسبت به آموزه‌های اجتماعی اسلام و نمونه‌های زندهٔ تاریخی آن دارد؛ به نیکی از این ظرفیت‌ها و جنبه‌های مختلف آگاهی دارد. به‌طوری که با شیوه‌ای هنرمندانه از این ظرفیت‌ها در ایجاد نهضت اسلامی علیه استبداد داخلی و استکبار خارجی و پس از آن در دوران دفاع مقدس در شکل‌دهی به فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام بهره‌گیری کرده است. امام خمینی علیه السلام پس از ذکر این مقدمات، به تأثیرگذاری اصلی این عزاداری‌ها در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر خود، در کشور اشاره می‌نماید. (همان: ۱۱ - ۱۰)

امام خمینی روحیهٔ شهادت‌طلبی منبعث از فرهنگ عاشورایی و حماسهٔ حسینی را نه‌تنها به وجود آورندهٔ قیام ۱۵ خرداد می‌داند، فزون‌تر رمز پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل را نیز برگرفته از همین فرهنگ و باور قلبی به راه امام خود - یعنی سالار شهیدان - می‌داند.^۱ امام خمینی خطاب به ملت ایران می‌فرماید که باید قدر این مجالس را بدانند، چراکه این مجالس ملت‌ها را زنده نگه می‌دارد. در همین راستا ایشان به‌عنوان مثال به مورد ملت ایران اشاره می‌نماید که این ملت، ملتی وابسته بود که رژیم سابق همه چیزش، حتی همهٔ شرافت انسانی کشور را از دست داده بود و در همهٔ جنبه‌ها کشور را وابسته کرده بود، اما ناگهان انفجاری در این کشور حاصل شد که به برکت همین مجالسی بود که همهٔ مردم را در سراسر کشور دور هم جمع می‌کرد و بر این اساس، امام به خطبا و ائمهٔ جمعه و جماعات سراسر کشور توصیه می‌کند که:

۱. لازم به ذکر است که به باور نگارندگان نهضت اسلامی شکل گرفته از سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس در یک پیوستار فکری و فرهنگی قرار دارند.

این مسئله را درست بیشتر از آن قدری که من می‌دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها، یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم. (همان: ۱۲ - ۱۱)

در اینجا صرفاً به برخی از اشارات امام خمینی علیه السلام پیرامون ارتباط «فرهنگ شهادت‌طلبی» مردم ایران و قیام عاشورا نگاهی انداخته و فقراتی به‌عنوان مثال و نمونه آوردیم تا گوشه کوچکی از چگونگی تجلی عاشورا به‌عنوان نماد راستین «شهادت» در اندیشه سیاسی ایشان را به تصویر کشیده باشیم.

سیر مقوله «فرهنگ شهادت‌طلبی» در مجموعه افکار امام خمینی علیه السلام

قدرت امام خمینی علیه السلام از سویی ریشه در ایمان قوی و توکل وی به مبدأ حقیقی قدرت، یعنی خداوند داشت و از دگرسو، متکی به باورهای عمیق مذهبی ملت ایران بود. تکیه امام بر استقلال فرهنگی و تأکیدش بر احیای اسلام ناب و ارزش‌های آن و در رأس همه «فرهنگ جهاد و شهادت» به‌مثابه پشتوانه اصلی اجرایی قوانین اسلام، منشأ حقیقی قدرت ملی ایرانیان و موجب هراس دشمنان گردید. چراکه دشمنان به نیکی می‌دانستند که این انقلاب در ایران محصور نخواهد ماند؛ و به سبب اشتراکات فرهنگی و جاذبه معنوی امام خمینی علیه السلام به زودی سایر مسلمانان جهان و حتی تمامی مستضعفان جهان نیز از آن الگو خواهند گرفت و از یوغ بندگی و استعمار آنان رهایی خواهند یافت. هدف پژوهش حاضر نیز برجسته نمودن همین مسئله است؛ یکی از خدمات بسیار مهم امام، احیای فرهنگ جهاد و شهادت، تبیین آن و غنا بخشیدن به این «فرهنگ» والا بود. امام خمینی علیه السلام با شناخت کامل نسبت به فرهنگ اصیل اسلام و تحمل ریاضت‌های نفسانی و پیمودن قله کمال عرفانی به چنان درجه‌ای از معارف و رموز سیر و سلوک الی الله نائل شده بود که به آسانی و سهولت تمام با بیان برداشت حماسی و عرفانی خود از فرهنگ جهاد و شهادت، ابواب جدیدی از معارف اسلامی را به روی تشنگان معرفت و وصول به کوی دوست گشود و بیان همین معارف بود که هزاران جوان نورسته و پیران سالخورده را به شوق وصال محبوب به صحنه دفاع از سرزمین ایران و کیان نظام اسلامی سوق داد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۹ - ۸)

امام که در طول حیات فکری و مبارزاتی همواره دغدغه احیای آموزه‌های دینی اسلام را از طریق بازخوانی فرهنگ جهاد و شهادت داشت، از همان روزهای آغازین نهضت مبارزاتی خود، این مهم را سرلوحه اقدامات فکری و تبلیغی خود قرار داد و تا آخرین روزهای حیاتش از جامعه عمل پوشاندن به این هدف مهم در جامعه دست نکشید. نهضت اسلامی امام خمینی علیه السلام از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در روز عاشورا و با هدف قیام حضرت اباعبدالله علیه السلام که همانا اصلاح امت اسلام بود، آغاز و سرمنشأ تحولات عظیمی در حیات فکری، سیاسی و اجتماعی ایران معاصر و جهان اسلام گردید. پایه خدامحوری اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام بود که

ایشان روزهای ماندگار نهضت مبارزاتی خود در تاریخ معاصر کشور را یوم‌الله نامید.

امام از زمان آغاز نهضت اسلامی، به‌ویژه در پیامها و بیاناتشان خطاب به ملت ایران و مسلمانان جهان، الگو پذیرفتن نهضت اسلامی خود را از قیام عاشورا متذکر می‌شوند. امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در اولین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد پس از پیروزی نهضت اسلامی، در تبیین چگونگی پیدایش نهضت ۱۵ خرداد ابتدا اشارتی کوتاه بر آنچه که در آن روز تاریخ‌ساز در سال ۱۳۴۲ از عصر عاشورای همان سال برخاست و موج عظیم اعتراضات مردمی شکل گرفت، نموده و سپس به همزمانی شروع نهضت اسلامی ۱۵ خرداد با ماه محرم که ماه خون و قیام و ماه سر برافراشتن اسلام راستین به رهبری حضرت اب‌عبدالله علیه السلام اشاره و ضمن اینکه این تقارن را تصادفی نمی‌داند، حتی قیام خود را برگرفته از قیام عاشورا می‌داند. (همان: ۱۴ - ۱۳)

ایشان در پیام دیگری که در ۱۵ خرداد سال ۱۳۶۰ به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ صادر

شد، می‌فرماید:

اگرچه ملت غیور ایران با فداکاری عظیم خود و تسلیم نزدیک پانزده هزار شهید به درگاه خداوند، در ظاهر سرکوب شد و رژیم جنایتکار پهلوی، ننگی ابدی بر ننگ‌های پنجاه سالهٔ خود افزود، اما این قیام سرلوحهٔ پیروزی اسلام و ملت ایران بود. همان‌گونه که شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود و آن شهادت مظلومانه تاج و تخت یزیدیان را که به نام اسلام، اساس وحی را به پندار باطل خود می‌خواستند محو کنند، برای همیشه تاریخ به باد فنا سپرد و آن واقعه، سفینان را از صحنهٔ تاریخ به کنار زد؛ این شهادت دلاورانهٔ ملت مظلوم ایران نیز تاج و تخت پهلوی‌ها را که با نام اسلام خواستار از صحنه خارج نمودن اسلام و جانشین ساختن افکار غرب و نشخوار آمریکا به جای کلام وحی بودند، از تاریخ ایران معاصر بیرون راند و دستاورد عظیم نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، پیروزی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود. (همان: ۱۵)

امام خمینی در سراسر این پیام، میان قیام عاشورا و قیام ۱۵ خرداد همسانی‌هایی را برمی‌شمرد که گویا قیام ۱۵ خرداد با طرح و نقشهٔ قبلی از واقعهٔ عاشورا الگو پذیرفته است.^۱

ایشان این‌بار مردم ایران را صرفاً در راه اسلام دانسته و کشته شدن در این راه را منحصرأ فوز عظیم شهادت و نه چیز دیگری می‌داند. بدین‌سان، تاریخ ایران و جهان نهضتی مانند نهضت مردم ایران به یاد ندارد و قیامی همگانی همچون قیام ملت ایران را پشت‌سر نگذاشته است. به‌طوری‌که در این قیام، نونهالان هفت

۱. اشاره به بیانات امام خمینی در مورد وقایع ۱۵ خرداد، از باب نمونه و مثالی از انسجام منظومهٔ فکری ایشان است و عدم فاصله‌گیری از موضوع اصلی پژوهش یعنی ریشه‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام، مطمح نظر بوده است.

تا هشت ساله دبستان فدایی می‌دهند و در راه اسلام عزیز و کشور، خون‌های خود را نثار می‌کنند. بنابر چنین نگرشی است که امام مردم را به صبر توصیه و خطاب به ملت می‌فرماید:

سستی و ضعف از خود نشان ندهید؛ راه شما راه اولیای خدا است. خون شما در راهی می‌ریزد که خون پیغمبران و امامان و اصحاب صلاحیت دار آنان ریخته شد. شما به آنان می‌پیوندید و این نه تنها غم ندارد، که شادی‌آور است.

لذا امام با توصیه مردم به ادامه مبارزه با رژیم شاه تا رسیدن به هدف نهایی که سرنگونی کامل شاه بود، می‌فرماید:

شما به حق‌اید و دست خداوند تعالی با شما است و خدا خواسته است که مستضعفین پیشوایی را به دست گرفته، خود وارث مقدرات و مخازن خود باشند. (همان: ۳۶ - ۳۵)

امام خمینی در جای دیگری، آشکارا بر الگوپذیری فرهنگ شهادت‌طلبی مردم ایران از قیام عاشورا به‌عنوان پیروی رهروان ولایت و امامت از امام عاشورایی خود، حضرت اباعبدالله تأکید و با ادبیاتی عاشورایی به تحلیل وقایع و حوادث رخ داده به تاسی از قیام شهادت‌طلبانه امام حسین علیه السلام در روز عاشورای سال ۶۱ هجری می‌پردازد. به گفته امام خمینی، از آنجایی که با توجه به آموزه‌های صریح دین اسلام، قیام عاشورایی در هر سرزمینی و در هر زمانی وظیفه و تکلیف شرعی ما است، شهیدان ما نیز که با تاسی به این دستور قیام کردند را با شهدای کربلا محشور می‌داند؛ چراکه در راهی واحد کشته شده‌اند. (همان: ۳۸ - ۳۷) امام شهادت‌طلبی مردم ایران را حاکی از ایمان قلبی به اسلام رهایی‌بخش از طاغوت‌های مادی زمان دانسته که موجب بیمه کردن جمهوری اسلامی شد. ایشان، همچنین راز سعادت دنیا و آخرت ملت ایران را در این ایمان قلبی می‌داند. لذا برای شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که از آغاز نهضت اسلامی در ۱۵ خرداد ۴۲ تا پیروزی انقلاب و حماسه‌آفرینی در دوران دفاع مقدس جان خود را نثار نموده و با انتخاب آگاهانه فوز عظیم شهادت موجب پیروزی روزافزون ملت در راه آرمان‌های مبارزه با استبداد و استکبار و برقراری حکومت عدل اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان شده و همچنین برای معلولان و مجروحان و بازماندگان این وقایع، سلامت و سعادت را از خداوند متعال مسئلت می‌نماید. (همان: ۶۳ - ۶۲)

نتیجه

در بررسی آرای امام خمینی علیه السلام ملاحظه گردید که ایشان تعریف و تفسیری از شهادت و نماد بارز آن در تاریخ اسلام یعنی قیام حسینی ارائه دادند که اولاً این مفهوم بسان پدیده‌ای اجتماعی بوده و در جهت اصلاح و نجات جامعه اسلامی انجام می‌گیرد؛ ثانیاً صرفاً مفهومی تاریخی به‌مثابه رخدادی که در زمان‌های گذشته

اتفاق افتاده و امروزه قابلیت احیا و به‌کارگیری نداشته و تأثیری در تحولات جوامع امروزی ندارد، نیست؛ بلکه عملی اجتماعی است که همانند نمونهٔ تاریخی آن همواره قابلیت پیاده‌سازی در جامعه را دارد. به‌گونه‌ای که سبب ایجاد نشاط و شادابی در حیات سیاسی و اجتماعی فرد و جامعه می‌گردد.

امام خمینی علیه السلام خوانشی از مفهوم شهادت ارائه داد که نه‌تنها از قابلیت به‌کارگیری در جامعهٔ امروز برخوردار است؛ فزون‌تر، با رواج روحیهٔ شهادت‌طلبی است که می‌توان بر بسیاری از مسائل و مشکلات جوامع بشری در دورهٔ کنونی فائق آمد. این خوانش جدید در اندیشهٔ سیاسی امام به‌عنوان رهبر دینی جامعه به صورت حکم دینی و سیاسی لازم‌الاجرا بیان شد که از تأثیر بسزایی در جامعهٔ ایران معاصر و حتی سایر جوامع اسلامی برخوردار بود. لذا با توجه به اینکه فرهنگ شهادت‌طلبی در میان رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس به صورت آشکاری نهادینه شد و شاهد آن نیز تقدیم هزاران شهید در دورهٔ مذکور بود، می‌توان به این نتیجه رسید که امام خمینی علیه السلام در ارائه خوانش جدید از مفهوم شهادت موفق عمل کرده است. به‌طور کلی، ایشان در دوران رهبری نهضت مبارزاتی و سپس نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از این ظرفیت فرهنگی و مذهبی توانست در میدان عمل سیاسی، کارآیی فرهنگ شهادت‌طلبی و ایمان به حماسهٔ حسینی را اثبات نماید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۵۷، ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. _____، ۱۳۸۵، فرهنگ جهاد و شهادت در نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی، تهیه و تنظیم رسول سعادت‌مند، قم، انتشارات تسنیم.
۵. _____، ۱۳۸۸، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر یازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۵.
۶. _____، ۱۳۸۹، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر سوم، ویرایش ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱۳.
۷. _____، بی‌تا، کشف اسرار، قم، انتشارات آزادی.
۸. باباپورگل‌افشانی، محمدمهدی، ۱۳۸۱، جلوه‌های سبز و سرخ عاشورا، قم، انتشارات آل صمد.
۹. بهشتی، ابوالفضل، ۱۳۸۲، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، قم، بوستان کتاب.

۱۰. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۴، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران، معاونت پژوهشی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۱. حکمی زاده، علی اکبر، ۱۳۲۲، *اسرار هزار ساله*، تهران، چاپخانه پیمان.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، بی تا، *تفسیر آفتاب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۳، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، ش ۳، ص ۱۲۳-۸۶.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه دهخدا*، ج ۱۰، چ ۲ از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دیانی، محمود، ۱۳۸۸، *نگاهی به فرهنگ شهادت: با استفاده از آیات، روایات، نظر فقها و جلوه‌های نوظهور در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، تهران، نشر شاهد.
۱۶. ذاکری، علی اکبر، ۱۳۹۱، *طلوع خورشید: سال‌شمار زندگانی امام خمینی*، قم، بوستان کتاب، چ ۲.
۱۷. ذبیح، علیرضا، ۱۳۸۷، *عرفان سرخ: تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی در حفظ ارزش‌های دینی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چ ۲.
۱۸. ربیع‌نجاج، سید علی اکبر، ۱۳۸۶، «نقش ترویج فرهنگ شهادت در ارتقای شاخص خدمت‌رسانی به مردم»، مندرج در مجموعه مقالات همایش شهیدان و فرهنگ خدمت‌رسانی به مردم، گردآوری سید محمد میرکاظمی، تهران، نشر شاهد.
۱۹. رکنی، سید محمدباقر، ۱۳۸۶، «شهادت، زیباترین تجلی خدمت به مردم»، مندرج در مجموعه مقالات همایش شهیدان و فرهنگ خدمت‌رسانی به مردم، گردآوری سیدمحمد میرکاظمی، تهران، نشر شاهد.
۲۰. سید امامی، کاووس، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی ایران، تحول در ارزش‌های سیاسی و کارآمدی مفهوم فرهنگ سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، مندرج در گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، به کوشش جلال درخشه، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. شریعتی، علی، ۱۳۶۰، *حسین وارث آدم*، مجموعه آثار (۱۹)، تهران، انتشارات قلم.
۲۲. _____، ۱۳۷۸، *شیعه*، مجموعه آثار (۷)، تهران، انتشارات الهام، چ ۷.
۲۳. _____، ۱۳۸۷، *نیایش*، مجموعه آثار (۸)، تهران، انتشارات الهام، چ ۱۵.

- ریشه‌یابی فرهنگ شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام در منظومهٔ افکار امام خمینی علیه السلام □ ۱۶۳
۲۴. صادقی، مهدی و محسن احمدی، ۱۳۸۳، *اندیشه‌های شریعتی*، اصفهان، انتشارات محمدحسین فهمیده.
۲۵. عنایت، حمید، ۱۳۸۹، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، چ ۵.
۲۶. فهیمی، سید مهدی، ۱۳۸۰، *فرهنگ جبهه: تابلو نوشته‌ها*، ج ۱، تهران، چاپ و نشر فرهنگ گستر و انتشارات سروش، چ ۳.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *حماسه حسینی*، (ج ۱: سخنرانی‌ها)، تهران، انتشارات صدرا، چ ۵۲.
۲۸. _____، ۱۳۸۸، *مجموعه آثار ۲۴: (ج ۱ از بخش اجتماعی - سیاسی)*، تهران، انتشارات صدرا، چ ۴.
۲۹. _____، ۱۳۸۹، *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ و مقاله شهید*، تهران، انتشارات صدرا، چ ۴۰.
۳۰. معین، محمد، ۱۳۹۱، *فرهنگ فارسی*، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ ۲۷.
۳۱. هزاوه‌ای، سید مرتضی و علی زیرکی حیدری، ۱۳۹۲، «همگرایی و واگرایی گفتمان‌های روحانیت مشروطه‌خواه و روشنفکری از مشروطه تا انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، ش ۷، تابستان، ص ۸۲-۶۳.

